

# نخبه‌ها کجا می‌روند؟

## «اعتماد» بررسی کرد کاهش 44 درصدی داوطلبان گروه ریاضی کنکور طی 10 سال اخیر

### بنفشه سام‌گیس

بررسی‌های «اعتماد» از تغییرات آماری تعداد داوطلبان کنکور 1401 در مقایسه با آزمون سراسری 1391 نشان داد که نوسانات منجر به افول چشم‌انداز اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور و بازار اشتغال ایران در این بازه زمانی 10 ساله، بر انتخاب اولیه داوطلبان کنکور تاثیرگذار بوده است.

#### کاهش 44 درصدی ورودی گروه ریاضی، افزایش 1383 درصدی ورودی گروه زبان

طبق اعلام مراجع رسمی، سال 1391، مجموع داوطلبان کنکور یک میلیون و 66 هزار و 141 نفر بوده که در سال 1401، این عدد با رشد 39.6 درصدی، به یک میلیون و 489 هزار و 220 نفر افزایش یافته اما تغییر نگران‌کننده در آزمون امسال، کاهش 44 درصدی داوطلبان گروه ریاضی نسبت به آزمون سراسری سال 1391 است علاوه بر آنکه سال 1391، 24.3 درصد از کل داوطلبان، ورودی گروه ریاضی بوده‌اند که در آزمون سال جاری، این عدد به 9.7 درصد کاهش یافته است.

کاهش 44 درصدی تعداد داوطلبان گروه ریاضی در آزمون سراسری امسال در حالی است که تعداد داوطلبان در گروه زبان‌های خارجی در کنکور 1401 نسبت به سال 1391، افزایش 1383.8 درصدی، در گروه تجربی افزایش 27.7 درصدی، در گروه علوم انسانی افزایش 26.8 درصدی و در گروه هنر افزایش 803.6 درصدی دارد. داوطلبان شرکت‌کننده در گروه ریاضی، همان نخبگانی هستند که با ادامه تحصیل در رشته‌های علوم پایه، فنی و مهندسی، در توسعه پایدار کشور نقش‌آفرینی می‌کنند. به نظر می‌رسد بخشی از افزایش 1383 درصدی تعداد داوطلبان در گروه زبان‌های خارجی در آزمون سراسری امسال، سرریز همین نخبگان است که آخرین قدم‌ها را برای کوچ به دانشگاه‌های درجه یک جهان برمی‌دارند.

در حالی که یکی از عوامل موثر در افزایش داوطلبان گروه آزمایشی علوم انسانی، فراگیر شدن محرومیت آموزشی در نقاط کم‌برخوردار و توسعه نیافته و محدود شدن انتخاب دانش‌آموزان این مناطق به زیرگروه‌های دانشگاهی علوم انسانی است، افزایش سودآوری اشتغال به پزشکی، دندانپزشکی و پیراپزشکی در کشور و تسهیل جذب فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها در بازار کار کشورهای همسایه طی سال‌های اخیر نیز، می‌تواند از عوامل تاثیرگذار در تغییرات آماری این گروه‌های آزمایشی در آزمون سراسری امسال باشد.

### نگاهی به آمار داوطلبان آزمون سراسری در سال‌های 1391 و 1401

آزمون سراسری 1401:

- تعداد کل داوطلبان: یک میلیون و 489 هزار و 220 نفر
- داوطلبان گروه ریاضی: 145 هزار و 615 نفر (9.7 درصد کل داوطلبان)
- داوطلبان گروه تجربی: 574 هزار و 751 نفر (38.5 درصد کل داوطلبان)
- داوطلبان گروه انسانی: 412 هزار و 525 نفر (27.7 درصد کل داوطلبان)
- داوطلبان گروه هنر: 161 هزار و 378 نفر (10.8 درصد کل داوطلبان)
- داوطلبان گروه زبان‌های خارجی: 194 هزار و 951 نفر (13 درصد کل داوطلبان)

آزمون سراسری 1391:

- تعداد کل داوطلبان: یک میلیون و 66 هزار و 141 نفر
- داوطلبان گروه ریاضی: 260 هزار و 55 نفر (24.3 درصد کل داوطلبان)
- داوطلبان گروه تجربی: 449 هزار و 955 نفر (42.2 درصد کل داوطلبان)
- داوطلبان گروه انسانی: 325 هزار و 135 نفر (30.4 درصد کل داوطلبان)
- داوطلبان گروه هنر: 17 هزار و 858 نفر (1.6 درصد کل داوطلبان)
- داوطلبان گروه زبان‌های خارجی: 13 هزار و 138 نفر (1.2 درصد کل داوطلبان)

تغییرات در تعداد داوطلبان گروه‌های آزمون سراسری امسال، هیچ مشابهی طی سال‌های بعد از آزمون سراسری 1391 ندارد. کاهش داوطلبان گروه ریاضی در آزمون 1401، یک اتفاق بی‌سابقه در دهه اخیر بود و

طی هفته‌های گذشته و پیش و پس از برگزاری کنکور سراسری، مسوولانی از وزارت علوم، سازمان سنجش آموزش کشور، وزارت آموزش و پرورش و نهادهای مرتبط با توسعه علمی کشور، بابت این کاهش ابراز نگرانی کردند. اما تغییرات عددی در باقی گروه‌های آزمون هم پیام‌های خاص و در جای خود؛ نگران‌کننده دارد. صرف‌نظر از اینکه تعدادی از پذیرفته‌شدگان گروه تجربی هم می‌توانند در رشته‌های علوم پایه ادامه تحصیل بدهند اما هدف‌گذاری داوطلبان گروه تجربی، معمولاً رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و پیراپزشکی است؛ رشته‌هایی پولساز که آینده شغلی و مالی دانشجویان را تضمین کرده و جایگاه اجتماعی او را هم به ردیف اول جدول قشریندی کشور ارتقا می‌دهد. تغییر مسیر هدف‌گذاری جوانان ایران برای ورود به رشته‌های پولساز گروه پزشکی و دندانپزشکی و پیراپزشکی که الزاماً لذت تمام و کمالی هم به دست نمی‌دهد اما حداقل آینده مالی دانشجویان را تضمین می‌کند، بلایی بوده که در همین بازه 10 ساله، در همین کشور و با آموزه‌های همین نظام‌های آموزشی مشغول به تبدیل دانش‌آموزان به ربات‌های تست‌زن و در همین گود اشباع از چالش‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بر سر سرمایه انسانی آمده است.

این نگرانی را می‌شود به تغییرات آماری باقی گروه‌های آزمایشی هم تسری داد؛ چرا تعداد داوطلبان گروه علوم انسانی، به فاصله 10 سال 26.8 درصد افزایش دارد؟ طی 10 سال گذشته چه سرفصل مهیج و جذابی به دروس گروه علوم انسانی دانشگاه‌ها اضافه شده یا کدام چالش‌های پیش روی بیان آزادانه و ابراز تفکر و انتشار عقاید رفع و حذف شده که تعداد مشتاقان این گروه درسی در آزمون سراسری امسال افزایش بالایی 26 درصد دارد؟ طبق بررسی‌های «اعتماد»، در مناطق محروم کشور، همچنان ضعف شدید امکانات تحصیلی و آموزشی برقرار است و دانش‌آموزان ساکن در این مناطق، از بدیهی‌ترین شرایط برابر برای ادامه تحصیلات عمومی محرومند. شرایط برابر و رفاه آموزشی در ساده‌ترین معنا این است که چه در مراکز استان و چه در یک شهر کوچک و با جمعیت کمتر از 20 هزار نفر، دبیرستانی با 4 گروه آموزشی اصلی؛ ریاضی، تجربی، علوم انسانی و هنر، دایر باشد تا دانش‌آموز، از امکان انتخاب آزادانه رشته تحصیلی خود برخوردار شود. در بسیاری شهرهای کوچک البته چنین شرایط برابری برقرار نیست چون در بسیاری شهرهای دور افتاده ایران، تنها امکان موجود، یک دبیرستان با رشته علوم انسانی است صرف‌نظر از اینکه در بسیاری از این شهرها و مناطق دور افتاده، امکان ادامه تحصیل در مقطع دبیرستان، به دلیل دوری مسافت مدرسه از محل زندگی دانش‌آموزان، فقط برای پسران مهیاست و دختران همان شهر و روستا، ناخواسته و به دلیل

نا برابري هاي آموزشي تحميل شده از سوي وزارت آموزش و پرورش و ساير دستگاه هايي كه موظف و مكلف به ايجاد شرايط برابر تحصيلي در تمام مناطق كشور بوده اند، از ادامه درس خواندن محروم ميشوند. كمبود معلم يا امتناع معلمان غير بومي از انتقال خدمتي به مناطق محروم و دور افتاده و فاقد امكانات رفاهي هم، دليل ديگري براي توسعه نيافتگي نظام آموزش عمومي در مناطق محروم است. در حالي كه فاصله بسيار طولاني شهرها و روستاها در مناطق محروم، عامل موثر در محروم تر شدن اين مناطق محسوب ميشود، در روستاها و شهرهايي كه همگامي سوء مديریت مديران و دولت ها با تبعات خشكسالي، كشاورزي و دامداري منطقه را نابود کرده و خانواده هاي متمدول و متمكن را به سراشيبی فقر سوق داده، اغلب اوقات، يارانه معيشتي، تنها منبع درآمد يك خانوار پر جمعيت روستايي يا يك شهر كوچك و دور افتاده است. براي چنين خانواده اي كه معمولا صدايش هم به گوش مسوولي نميرسد، پرداخت هزينه خوابگاه شبانه روزي براي يك سال تحصيلي فرزندش يا پرداخت هزينه رفت و آمد روزانه او براي رسيدن به دبirstاني مجهز در فاصله 50 يا 100 يا 200 كيلومتر دورتر، در شرايطي كه نان روزانه عائله هم به دشواري تامين ميشود و هيچ اميدي به نان فردا هم نيست، به معنای فقيرتر شدن به قيمت تحصيل فرزند است. در چنين مناطقي، كودكاني كه از سال هاي اوليه زندگي، درك دردناكي از فقر خانواده پيدا مي كنند، در همدلي با رنج خانواده، به سادگي قيد تحصيلات عالي را زده و به همان چه در دسترس هست؛ مدرسه اي با 6 كلاس، دبirstاني با يك رشته تحصيلي يا تحصيل از راه دور در معدود رشته هايي كه هزينه بر نبوده و را يگان باشد، قناعت مي كنند و گرنه، آتیه شان به شغل بي ثبات پدر و برادر گره مي خورد و عمرشان در حسرت دكتر شدن و مهندس شدن تلف ميشود. كودك ساكن در مناطق محروم، اگر انقدر خوشبخت باشد كه به دبirstان برسد و ديپلم بگيرد و به فكر شركت در كنكور بيفتد، مقدرات محل زندگي خود را در يك كفه مي گذارد و دورنماي خوش اما بعيد تحصيل در رشته هاي فني، مهندسي، پزشكي، پيراپزشكي، هنر و حتي زبان هاي خارجي كه در زمره تحصيلات عالي گران قيمت به شمار مي آيند را هم در كفه ديگر. براي اغلب كودكان ساكن در مناطق محروم، به دليل نا برابري آموزشي كه مثل يك بيماري مزمن، به درد پايدار اين مناطق تبديل شده، تحصيل در رشته علوم انساني اين مزيت را دارد كه بعد از فارغ التحصيلي، به دنبال بازار اشتغال خرد اما هميشه موجودي بگردند و با فاصله اي دور از روي پردازي هاي پرهزينه، در دواير دولتي يا در تدريس پاره وقت مشغول به كار شوند يا اينكه تن به «بيكاري كاذب» داده و در حرفه اي بي تناسب با رشته تحصيلي خود

درآمدزایی کنند که از این نمونه را امروز میان مرزنشینان به فراوانی می‌توان پیدا کرد؛ فارغ‌التحصیل رشته ادبیات که به بنکداری مشغول است، فارغ‌التحصیل رشته حسابداری که به جوشکاری مشغول است و...

هر ساله و بعد از اعلام نتایج آزمون سراسری، یک نمایش تبلیغاتی از تمجید و تقدیر از رتبه‌های تکریمی کنکور ساکن در مناطق محروم برگزار می‌شود تا کم‌کاری‌های دولت‌ها در ایجاد شرایط و امکانات برابر تحصیلی، پشت پرده شعار تکراری «خواستن و توانستن» پنهان شود. اخیراً مسوولان وزارت آموزش و پرورش اعلام کردند که برای سال تحصیلی جدید، مدارس «کانکسی» با جمعیت دانش‌آموزی بالای 10 نفر جمع خواهد شد. مدارس کانکسی، از آبرومندان‌ترین‌ها در مناطق محروم است که البته تصور عمومی بر این بود که نسل همین قوطی‌های فلزی ملقب به «مدرسه» که در تابستان نقش کوره و در زمستان نقش یخچال را برای دانش‌آموزان مناطق محروم ایفا می‌کند هم، سال‌ها قبل منقرض شده است. هنوز مدرسه خشت و گلی در کشور داریم و هنوز کلاس سنگی در کشور داریم؛ کلاسی که دیوارهایش، از چیدن سنگ روی سنگ بالا آمده و دوام این دیوارها، به هیچ ملاطی بند نیست. هنوز کودکان عشایر در مناطق کوهپایه‌ای و صعب‌العبوری همچون شمال خوزستان، برای رسیدن به تنها کلاس درس در منطقه، از فراز دره‌هایی می‌گذرند که چشمانداز مرگ دارد یا به دل رودخانه‌هایی می‌زنند که اگر لحظه‌ای، طناب دستباف بسته شده به کمر درختان دو سمت رودخانه، از دست‌های کوچکشان رها شود، معلوم نیست جنازه‌شان کی و در کدام نقطه از آب بیرون کشیده خواهد شد. شیوع «کرونا» در ایران، بهترین آزمون برای محک پایبندی مدیران نظام آموزشی به تکلیف توسعه امکانات برابر بود که البته نتیجه هم تاسف‌بار بود وقتی اعلام شد حدود 5 میلیون دانش‌آموز، از داشتن گوشی تلفن همراه هوشمند و در واقع، از ادامه تحصیل از طریق فضای مجازی محروم هستند. محدود بودن اعتبارات آموزشی و تحصیلی

برخلاف تمام شعارهای خوش‌رنگی که طی این سال‌ها درباره لزوم سرمایه‌گذاری برای نسل آینده کشور سر داده شده، به گونه‌ای مانع‌تراشی می‌کند که حتی دانش‌آموزان تحت پوشش نهادهای حمایتی هم از امکان انتخاب آزادانه رشته تحصیلی دانشگاهی برخوردار نیستند. از آنجا که در نهادهای حمایتی، تلاش بر این است که توزیع اعتبارات تحصیلی، قطره‌چکانی اما برای جمعیت وسیعی از دانش‌آموزان تحت پوشش باشد، اگرچه مسوولان نهادهای حمایتی به تامین شهریه رشته‌های گران‌قیمت و پرخرج، قطع پرداخت شهریه دانشجویان، مشروط کردن پرداخت شهریه‌ها به کاهش خدمات حمایتی مددجو و در نهایت، القای

فراهم نبودن بازار کار برای رشته‌هایی غیر از علوم انسانی، چاره‌ای جز این پیش روی دانش‌آموزان تحت پوشش حامیان دولتی نمی‌گذارد که به تحصیل در رشته‌های علوم انسانی که فعلاً، کم خرج‌ترین رشته‌های تحصیلی در آموزش عالی هستند قانع باشند.

### نخبه‌ها کجا می‌روند؟

رصدخانه مهاجرت ایران، شهریور 1400، نتایج یکی از طرح‌های پژوهشی خود را منتشر کرد. این پژوهش طی ماه‌های بهمن 1399 تا خرداد 1400 - ماه‌های پایانی فعالیت دولت دوازدهم - در میان 4 گروه از دانش‌آموختگان دانشگاهی- دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، پزشکان و پرستاران، استادان دانشگاه، محققان و پژوهشگران و فعالان کسب و کارهای نو (استارت‌آپ‌ها) و با هدف بررسی چرایی تصمیم به مهاجرت در میان جمعیت تحصیل‌کرده کشور انجام شد. حجم کلی جمعیت پاسخگویان 2776 نفر بود در حالی که بیشترین تعداد پاسخگویان از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه (2065 نفر) و در گروه سنی 20 تا 30 سال و مجرد بودند. به استناد نتایج این پژوهش، 40 درصد دانشجویان، 25 درصد پزشکان و پرستاران، 53 درصد استادان، محققان و پژوهشگران و 43 درصد فعالان استارت‌آپ‌ها مایل به مهاجرت بودند. 71 درصد پزشکان و پرستاران، 58 درصد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه، 59 درصد استادان، محققان و پژوهشگران و 23 درصد فعالان استارت‌آپ‌ها، شرایط کلی کشور را در تصمیم به مهاجرت موثر می‌دانستند. 73 درصد پزشکان و پرستاران، 59 درصد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، 69 درصد استادان دانشگاه، محققان و پژوهشگران و 59 درصد فعالان استارت‌آپ‌ها اثرات اقتصادی ناشی از تورم را علت تصمیم به مهاجرت اعلام کرده بودند. هر 4 گروه پاسخگو، بی‌ثباتی اقتصادی- اجتماعی کشور و ناامیدی از اصلاح امور کشور را دلیل اصلی تصمیم به مهاجرت عنوان کرده بودند اما شیوه حکمرانی و مملکت‌داری، ناامیدی نسبت به آینده، امید به زندگی بهتر در خارج از کشور، آزادی‌های فردی و اجتماعی، کاهش ارزش پول ملی، درآمد پایین، آینده مبهم و عدم امکان برنامه‌ریزی بلندمدت، امکان شاد زندگی کردن و سلامت اخلاقی جامعه دلایل دیگری بود که پاسخگویان به عنوان عامل موثر در تصمیم به مهاجرت برشمرده بودند. کمتر از 25 درصد پاسخگویان تصمیم به ماندن در کشور داشتند و کمتر از 13 درصد پاسخگویان مایل به بازگشت به وطن بودند در حالی که 23 الی 55 درصد پاسخ‌دهندگان از تصمیم به مهاجرت دایم به کشور مقصد می‌گفتند. در این پژوهش، از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد «تصور شما از آینده کشور چیست؟» 58 درصد پزشکان و پرستاران و 46 درصد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، آینده

کشور را بسیار بد پیش‌بینی کرده بودند.

### اگر بیکار نبودند

طبق گزارش مرکز آمار ایران، سال 1400، از مجموع 2 میلیون و 291 هزار و 604 بیکار در کشور، 40.3 درصد، فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها بوده‌اند. طبق این گزارش، در بهار 1400، تعداد مردان بیکار فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها، 449 هزار و 412 نفر بوده که در بهار امسال، تعداد بیکاران در این گروه جنسیتی به 457 هزار و 631 نفر افزایش یافته است. همچنین در فصل بهار 1400، تعداد زنان بیکار فارغ‌التحصیل دانشگاهی، 474 هزار و 982 نفر بوده که در بهار امسال، تعداد بیکاران در این گروه جنسیتی به 494 هزار و 89 نفر افزایش یافته است.

هفته گذشته، اردوان ارژنگ؛ معاون امور دانشجویان وزارت علوم، در گفت‌وگو با خبرگزاری ایلنا گفت که حدود ۸ سال قبل (سال‌های 1392 یا 1393) سالانه حدود ۶۰۰ الی هزار نفر از دانشجویان ایرانی را که در کشورهای خارج مشغول تحصیل یا ساکن بودند، درخواست بازگشت به ایران می‌فرستادند و حالا تعداد کل دانشجویان ایرانی متقاضی بازگشت به ایران به 100 نفر در سال هم نمی‌رسد.

ارژنگ در حالی این خبر را اعلام کرد که امسال، چند روز بعد از برگزاری آزمون سراسری، معاون وزیر علوم، ضمن ابراز نگرانی از خالی ماندن 700 هزار صندلی در دانشگاه‌ها در سال تحصیلی 1400 به دلیل کاهش ورودی‌ها گفته بود: «در علوم پایه در بهترین دانشگاه با بهترین تجهیزات اصلاً متقاضی نداریم و تعداد اعضای هیات علمی آن از تعداد دانشجویان بیشتر است.»

خالی ماندن صندلی‌های دانشگاه‌ها در حالی به يك بحران برای نظام آموزشی کشور تبدیل شده که در فاصله سال‌های 1386 تا 1396، تعداد دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه جامع علمی کاربردی، 40 الی 70 درصد و همچنین جمعیت دانشجویان در این بازه ده ساله حدود 30 درصد افزایش یافته است.

حامد کمالی، پژوهشگر مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور در مطالعه‌ای که نتایج آن در نسخه 1401 نشریه سیاست علم و فناوری منتشر شده، در تحلیل خالی ماندن صندلی‌های دانشگاه‌ها با استناد به نظرات استادان و محققان و صاحب‌نظران دانشگاهی، نوشته که مداخله دولت در آموزش عالی و تبدیل آموزش عالی به ابزاری برای توسعه جامعه در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، عدالت‌خواهانه و... از جمله دلایل موثر در خالی ماندن صندلی‌های دانشگاه‌هاست چرا که

بهره‌برداري‌هاي سياسيون از بحث عرضه آموزش عالي و توسعه كمي آموزش عالي به نام عدالت و به كام سياست و در مجموع، اقدامات انجام‌شده براي افزايش ظرفيت دانشگاه‌ها، رفتارهاي پوپوليستي بوده با اين هدف كه به مردم گفته شود كه «ما براي هر فردي يك صندلي در دانشگاه قرار داده‌ايم!»

صاحب‌نظران همچنين در اين مطالعه به كمالي گفته‌اند كه ارجحيت [...] مطرح در اسناد و قوانين دولتي بر جريان علم‌ورزي و نقادي، علم‌گريزي را دامن زده و به ايجاد منطبق سرمايه‌داري، ابتذال اقتصادي و كسب منافع مادي در عرضه و تخصيص ظرفيت پذيرش دانشجو، ايجاد تعارض منافع و ارجحيت منافع شخصي بر منافع محلي و ملي و پارتي‌بازي منجر شده كه اين مجموعه عوامل هم در روگرداني جمعيت جوان کشور از ورود به دانشگاه‌ها موثر بوده است. كهنه بودن نظام آموزشي از ديگر دلایلي بوده كه صاحب‌نظران در اين مطالعه به عنوان عامل موثر در خالي ماندن ظرفيت پذيرش دانشجو مورد اشاره قرار داده و تاكيد کرده‌اند: «آموزش عالي در ايران سنتي است و دانشگاه نتوانسته خودش را با وضعيت موجود وفق دهد. صندلي‌هاي خالي نشان‌دهنده اين است كه محتوای ارایه‌شده در دانشگاه‌ها نتوانسته ذایقه مردم را جلب کند و افت شديد شاخص‌هاي كيفي اين نظام آموزشي باعث شده كه تعداد صندلي‌هاي خالي دانشگاه‌ها روزبه‌روز بيشتري شود.»

منبع: □□□□□□ □□□□□□ 3 □□□□□□ 1401 □□□□□□